

## Motivations and Goals of US Foreign Aid; A Case Study of Pakistan

**Ali Sabbaghian\***

Assistant Professor, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

**Masoud Fathipoor**

Ph.D Student, Regional Studies/ American Studies Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

### Abstract

The United States is one of the countries with a strong emphasis on foreign aid strategy in foreign policy. This strategy has continued with ups and downs since World War II and has spanned many countries. A review of US aid to Pakistan shows that the country has experienced many ups and downs in the past decades based on geopolitical relations and necessities. This article seeks to answer the question of "what are the motives and goals of the United States in providing foreign assistance in the field of international relations, and specifically in Pakistan?" Based on this hypothesis, the paper examines that the United States pursues several goals in providing foreign aid that are intended to stabilize American hegemony. The research findings show that foreign aid is being used as a realistic lever to increase US power and influence, helping to establish US hegemony. As for Pakistan, although reducing its aid does not seem to stop Pakistan from pursuing its high-risk policies in support of terrorist groups, the US approach is pushing to avoid this policy.

**Keywords:** Foreign Aid, US Foreign Policy, The Trump Administration, Hegemony, Pakistan.

---

\* Corresponding Author: sabbaghian@ut.ac.ir  
Sabbaghian, A., Fathipoor, M, (2021), "Motivations and Goals of US Foreign Aid; A Case Study of Pakistan", *Political Strategic Studies*, 10(38), 113-139. doi: 10.22054/qpss.2020.51432.2504

## انگیزه‌ها و اهداف کمک‌های خارجی امریکا؛ مطالعه موردی پاکستان

علی صباغیان \*

استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-0282-3786>

مسعود فتحی پور

دانشجوی دکتری مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه تهران، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-4505-2133>

### چکیده

امریکا از جمله کشورهایی است که در عرصه سیاست خارجی تأکید زیادی بر راهبرد کمک‌های خارجی دارد. این راهبرد از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافته است و کشورهای مختلفی را شامل شده است. بررسی کمک‌های امریکا به پاکستان حاکی از این است که این کشور طی دهه‌های گذشته بر اساس مناسبات و ضرورت‌های ژئوپلیتیکی با فراز و فرودهای زیادی در زمینه دریافت کمک‌های مالی - نظامی مواجه بوده است. این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که انگیزه‌ها و اهداف امریکا از ارائه کمک‌های خارجی در عرصه روابط بین‌الملل و به‌طور مشخص کشور پاکستان چیست؟ فرضیه مقاله این است که امریکا اهداف متعددی در زمینه ارائه کمک‌های خارجی دنبال می‌کند که تثبیت هژمونی این کشور را در نظر دارد و در ارتباط با پاکستان نیز این اهداف دنبال شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کمک‌های خارجی به‌عنوان اهرمی واقع‌گرایانه برای افزایش قدرت و نفوذ امریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد که به تثبیت هژمونی امریکا یاری می‌رساند. در خصوص پاکستان نیز هرچند به نظر می‌رسد کاهش این کمک‌ها پاکستان را از تعقیب سیاست‌های پرمخاطره خود در ارتباط با حمایت از گروه‌های تروریستی باز نمی‌دارد، رویکرد امریکا اعمال فشار برای پرهیز از این سیاست است.

**واژگان کلیدی:** کمک‌های خارجی، سیاست خارجی امریکا، دولت ترامپ، هژمونی، پاکستان.

## مقدمه

دونالد ترامپ در اولین توثیت خود در سال ۲۰۱۸ در حمله لفظی شدیدی علیه پاکستان، این کشور را - با وجود دریافت کمک خارجی ۳۳ میلیارد دلاری از امریکا - به دروغ گوئی و فریب دادن امریکا متهم کرد (Baynes, 2018). این توثیت مجدداً مسئله بازانديشی در خصوص تخصیص کمک‌های خارجی امریکا را مطرح کرد. یکی از راهبردهای مهم سیاست خارجی ایالات متحده امریکا، ارائه کمک‌های خارجی به کشورها و نهادهای بین‌المللی در طول دوره‌های مختلف بوده است. کمک‌های خارجی امریکا در مناطق گوناگون شامل طیف گسترده‌ای از کمک‌های اقتصادی، نظامی - مستشاری، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی است. نکته حائز اهمیت درباره راهبرد کمک‌های خارجی امریکا این است که غالباً در نهادهای امریکا نسبت به چنین راهبردی اجماع وجود دارد. صرف‌نظر از کم یا زیاد شدن میزان کمک‌های خارجی در دولت‌های مختلف، این راهبرد در سیاست خارجی امریکا اهمیت بسیار زیادی داشته است. بسیاری از نخبگان و اتاق‌های فکر امریکایی نیز با حمایت از چنین راهبردی، تداوم آن را مطابق با منافع ملی این کشور ارزیابی می‌کنند. کمک‌های خارجی امریکا مشروط به نوع راهبرد و سیاست امریکا و همچنین مناطق و کشورهای مورد نظر امریکا متفاوت و متنوع است. به‌عنوان نمونه کمک‌های امریکا در منطقه خاورمیانه بعنوان کانون آشوب و منازعه جهان، اهداف متفاوتی نسبت به کمک‌های این کشور به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی دارد. با وجود این، نقطه مشترک کمک‌های خارجی امریکا به مناطق مختلف و سازمان‌های بین‌المللی این است که برآیند کلی این کمک‌ها باید تأمین‌کننده منافع ملی امریکا باشد. بدین ترتیب؛ نگرش امریکا نسبت به کمک‌های خارجی، رئالیستی و متناسب با منافع ملی این کشور است. یکی از کشورهایی که در دهه‌های گذشته جزء دریافت‌کنندگان کمک‌های خارجی امریکا بوده، کشور پاکستان است. بررسی کمک‌های امریکا به پاکستان حاکی از این است که این کشور طی دهه‌های گذشته بر اساس مناسبات و ضرورت‌های ژئوپلیتیکی با فراز و فرودهای زیادی در زمینه دریافت کمک‌های مالی - نظامی مواجه بوده است. در واقع علاوه بر اهمیت سیستم لابی‌گری در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی امریکا، الزامات ژئوپلیتیکی و رویکردهای کلان سیاست‌گذاری دفاعی - نظامی امریکا چنین اقتضاء کرده است که در طی چندین دهه اخیر، نوساناتی در اهدای کمک‌های خارجی امریکا به

پاکستان ایجاد شود. این مقاله می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که انگیزه‌ها و اهداف امریکا از ارائه کمک‌های خارجی در عرصه روابط بین‌الملل و به طور مشخص به کشور پاکستان چیست؟ فرضیه مقاله این است که امریکا با وجود شعارهایی همچون حفظ حقوق بشر، ترویج دموکراسی، مبارزه با تروریسم؛ اهداف متعددی در رابطه با ارائه کمک‌های خارجی دنبال می‌کند که در قالب اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی - اجتماعی پیگیری می‌شود؛ این اهداف که تثبیت هژمونی امریکا را در نظر دارد، در سیاست‌گذاری نظامی این کشور نهاده شده است. انگیزه‌ها و اهداف امریکا از کمک به پاکستان نیز با توجه به اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی - اجتماعی امریکا شکل گرفته و با تثبیت هژمونی این کشور در ارتباط است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش تحلیلی - توصیفی است.

### ضرورت و اهمیت انجام پژوهش

راهبرد کمک‌های خارجی امریکا پس از جنگ جهانی دوم، بویژه در منطقه خاورمیانه تأثیرات نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی عمیقی بر روی کشورهای وابسته گذاشته است. نمونه این سیاست در ارتباط با کشور پاکستان مورد مطالعه پژوهش‌های خارجی زیادی بوده است. با وجود این، پژوهش‌های عمیق و مستند در خصوص کمک‌های خارجی امریکا در نشریات علمی داخلی کمتر کار شده است. بررسی اهداف و انگیزه‌های استراتژی کمک‌های خارجی دولت امریکا می‌تواند به تحلیل رفتار این کشور در منطقه خاورمیانه کمک زیادی کند. با توجه به تغییراتی که در سیاست خارجی امریکا به خصوص در ارتباط با کاهش کمک‌های خارجی در دوره ترامپ رخ داده است، ضرورت بررسی این راهبرد بیشتر حس می‌شود. طبیعی است که در صورت ارزیابی درست و منطقی از رفتارهای امریکا، می‌توان تبیینی مطلوب و واقعی از سیاست بین‌الملل به دست داد که در راستای بهبود سیاست‌های داخلی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

### چارچوب نظری پژوهش

نظریه واقع‌گرایی به دلیل تأکید بر مسائل عینی، یکی از نظریه‌های مناسب برای تحلیل رویکرد و راهبرد سیاست خارجی دولت‌ها و بازیگران سیاسی و واکنش آنها نسبت به تحولات پیرامون است. بویژه آنکه این نظریه برای حفظ منافع ملی دولت‌ها و بازیگران

سیاسی و بین‌المللی در مناسباتشان با یکدیگر اهمیت فراوانی قائل است. واقع‌گرایی با انگاره‌های سستی از قبیل تلقی دولت‌ها بعنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل، فقدان راه‌حل نهایی برای جلوگیری از وقوع جنگ، موازنه قدرت و حفظ منافع ملی همراه بود و به صورت واکنشی در برابر بحران نظام بین‌المللی و در تضاد با بنیان‌های فکری- فلسفی آرمان‌گرایی شکل گرفت (Booth, 2011: 5-12). در نگاه واقع‌گرایان؛ جهان از منظر عقلانی، ناقص و حاصل نیروهای ذاتی بشر است. برای اصلاح جهان باید همراه این نیروها و نه علیه آن‌ها عمل کرد. از آنجا که این جهان، ذاتاً دنیای منافع متضاد است؛ هرگز نمی‌توان اصول اخلاقی را به‌طور کامل محقق نمود اما از طریق توازن موقت منافع و حل و فصل مشروط تعارضات، می‌توان به این اصول نزدیک شد. بنابراین، دولت - ملت‌ها برای رسیدن به اهداف خود می‌بایست از تجارب تاریخی و نه از اصول انتزاعی بهره‌گیرند؛ چراکه هدف آن نه خیر مطلق بلکه شر کمتر است (Morgenthau, 1985: 4). یکی از شاخه‌های مهم واقع‌گرایی، واقع‌گرایی تهاجمی است که اگرچه به مفروضات اولیه واقع‌گرایی وفادار مانده است، در تحلیل‌های خود بر مطالعات تاریخی و بر غیرمستقیم و پیچیده بودن تأثیر قدرت نسبی بر سیاست خارجی تأکید دارد. مهم‌ترین نظریه‌پردازان این تفکر، جان مرشایمر و فرید زکریا هستند. از نظر متفکران مذکور، آنارشی سیستم بین‌المللی، دولت‌ها را مجبور می‌سازد تا قدرت یا نفوذ خود را به حداکثر برسانند تا امنیت و بقای خود را تأمین کنند. اگر یک دولت برای افزایش قدرت و نفوذ خود تلاش نکند، دولت‌های رقیب چنین سهمی از نفوذ را از آن خود خواهند کرد. بدین ترتیب آنها وادار می‌شوند تا در مسائل خارج از مرزهایشان مداخله کنند (Zakaria, 1998: 19). واقع‌گرایان تهاجمی پنج فرض اساسی را برای توجیه رفتارهای رقابت‌آمیز قدرت‌های بزرگ مطرح می‌کنند که اشتراکات زیادی با مفروضات واقع‌گرایی نخستین دارد. اولین فرض وجود آنارشی در سیستم بین‌المللی است. مهم‌ترین راه برای رسیدن به امنیت بیشتر، افزایش قدرت و مقهور کردن رقباست. مرشایمر بر این باور است که دولت‌ها تا زمانی که تبدیل به یک قدرت هژمون نشده‌اند، از این تلاش دست نمی‌کشند. آنها بهترین راه حفظ بقای خود را در نائل شدن به برترین قدرت در سیستم بین‌المللی می‌یابند. بنابراین افزایش قدرت به منزله مهم‌ترین هدف در این نظریه مطرح است (Mearsheimer, 2001: 33). این رفتار که برای بقا ضرورت پیدا می‌کند، موجب پیگیری رفتار تهاجمی می‌شود. دومین

فرض، عدم اطمینان دولت‌ها از نیت یکدیگر است. با این وجود، توانمندی‌های نسبی تا حد زیادی به نیت دولت‌ها شکل می‌دهند. هنگامی که دولتی قدرتمندتر می‌شود، می‌کوشد نفوذ خود را افزایش دهد و به حداکثر برساند و محیط بین‌المللی را کنترل کند. بنابراین دولت‌ها در مواردی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آنها تصور کنند توانمندی‌های نسبی کشورشان بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی و با هدف پیشینه‌سازی نفوذ را دنبال خواهند کرد (Taliaferro, 2001: 1). سومین مورد به مهم‌ترین و اولین هدف قدرت‌های بزرگ اشاره دارد که حفظ بقاست. اگر دولتی بتواند بقای خود را تضمین کند، قادر است اهداف دیگر را محقق نماید. چهارمین فرض عقلانی بودن قدرت‌های بزرگ است. این دولت‌ها راهبردهایی را انتخاب می‌کنند که بتواند هدف اصلی آنها را به حداکثر برساند. دولت آنچنان رفتار می‌کند که به مثابه یک واحد منحصربه‌فرد منطقی قادر به درگیر شدن در یک تحلیل «هزینه- فایده» است. دارا بودن میزانی از توانایی نظامی تهاجمی نیز آخرین مفروضه مهم این رهیافت واقع‌گرایی است. هراندازه دولت‌ها قدرت نظامی بیشتری نسبت به یکدیگر داشته باشند، توانایی و ظرفیت خطرآفرینی بیشتری خواهند داشت. تاریخ، اثبات‌گر این مسئله است که دولت‌ها در شرایطی که به شکلی چشمگیری بر ثروت و قدرت خود می‌افزایند، به ایجاد ارتش‌های بزرگ می‌پردازند و خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند و حداکثر سازی نفوذ بین‌المللی خود را دنبال می‌کنند (Zakaria, 1998: 3). یکی از شیوه‌های پیشینه‌سازی نفوذ و کنترل محیط بین‌المللی از طریق وابسته‌سازی کشورها، کمک خارجی مالی و نظامی به آنهاست که قدرت‌های بزرگ از آن استفاده می‌کنند. این شیوه یکی از مؤثرترین روش‌های نفوذگذاری در سیاست خارجی امریکا است که مورد تأکید ارگان‌های تصمیم‌سازی این کشور نیز بوده است (Tarnoff & Lawson, 2016: 1). نحوه اثرگذاری و نفوذگذاری امریکا از طریق کمک‌های خارجی مورد بررسی قرار گرفته است و در همین راستا مطالعه موردی پاکستان این راهبرد را توضیح می‌دهد.

### تعریف کمک‌های خارجی

در تحلیل‌های بین‌المللی منظور از کمک‌های خارجی ارائه داوطلبانه منابع مالی، نظامی و ... به کشورها، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. بدین سان در تعریفی مختصر، انتقال

داوطلبانه منابع عمومی از یک دولت به دولت مستقل دیگر، سازمان غیردولتی یا سازمان بین‌المللی برای دستیابی به اهداف خاص کشور کمک‌کننده را می‌توان تحت عنوان کمک خارجی ارزیابی کرد. کمک‌های خارجی انواع مختلفی دارد که شامل کمک‌های مالی به شکل بلاعوض یا وام، کمک‌های نظامی شامل ارائه تسلیحات یا آموزش مستشاری، کمک‌های داوطلبانه و کمک‌های مادی در زمینه تکنولوژی، خدمات و ... است (Rothschild, 2007: 3-4). دایره‌المعارف بریتانیکا نیز از «انتقال بین‌المللی سرمایه، کالا یا خدمات از سوی یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی به نفع دولتی دیگر یا مردم آن» (Williams, 2018) با نام کمک خارجی یاد کرده است. این کمک‌ها ممکن است اقتصادی یا نظامی باشد یا شکل کمک‌های اضطراری (برای مثال در مواقع بروز بلایای طبیعی) را به خود بگیرد. همچنین کمک‌های خارجی در قالب منابع مالی یا کالا یا ارائه آموزش یا مشاوره فنی نیز قابل تصور است (Williams, 2018). بخش خدمات پژوهشی کنگره امریکا نیز کمک خارجی را یک جزء اساسی بودجه امور بین‌الملل امریکا می‌داند که بعنوان ابزاری ضروری برای سیاست خارجی امریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد و پایه‌های منطقی متعددی مانند امنیت ملی، تجاری و بشردوستانه استوار است. این کمک‌ها اهداف بی‌شماری را پشتیبانی می‌کند که از جمله می‌توان به رشد اقتصادی، کاهش فقر، بهبود حکومت‌داری، گسترش دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و آموزش، ارتقای ثبات در مناطق درگیری، مقابله با تروریسم، ارتقای حقوق بشر، تقویت متحدین اشاره کرد (Tarnoff & Lawson, 2016: 1).

### برنامه‌های کمک خارجی امریکا در دوران بعد از جنگ جهانی دوم

کمک‌های خارجی ایالات متحده به سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف پس از جنگ جهانی دوم شروع شد و تاکنون با وجود فراز و نشیب‌های فراوان تداوم یافته است. کمک‌های خارجی امریکا در ادوار مختلف منوط به شرایط و موقعیت جهانی، اولویت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی متفاوت و همچنین مناطق مختلف و متنوعی را شامل می‌شد. کمک‌های خارجی امریکا در ادوار مختلف روسای جمهوری ایالات متحده را می‌توان در قالب جدول شماره ۱ خلاصه کرد:

جدول شماره ۱- اهداف کمک‌های خارجی امریکا بین سال‌های ۱۹۴۷ - ۲۰۲۰

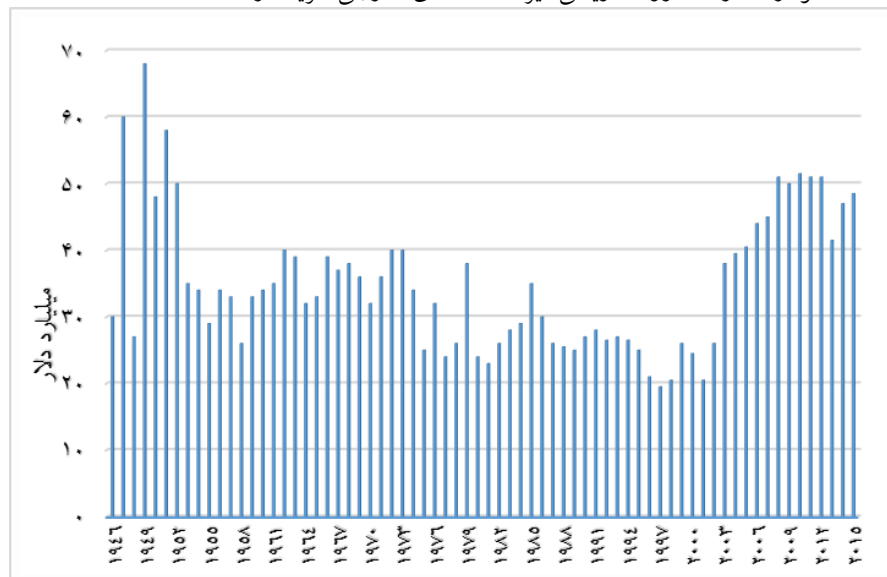
دوره تاریخی	طرح	شعار	مناطق هدف
۱۹۴۷ تا ۱۹۶۳ (ترومن، آیزنهاور و کندی)	طرح مارشال و قانون کمک‌های خارجی	جلوگیری از نفوذ کمونیسم در اروپا جلوگیری از نفوذ سیاست‌های اقتصاد کمونیستی در جهان به‌ویژه آسیای جنوب شرقی	اروپا (۱۷ کشور اروپایی به‌ویژه ترکیه و یونان)، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی
دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ (نیکسون، فورد و کارتر)	تداوم همراه با کاهش نسبی کمک‌های خارجی	تأثیرگذاری بر نهادهای اثرگذار بین‌المللی	سازمان‌های مهم بین‌المللی و کشورهای امریکای لاتین
۱۹۸۱-۱۹۸۹ (ریگان)	دکترین ریگان	ترویج اقتصاد سرمایه‌داری و لیبرالیسم	تمرکز بر اکثر مناطق جهان
۱۹۸۹-۱۹۹۳ (بوش پدر)	کمک‌های مالی برای بهبود سلامت جهانی	تغذیه، سلامت و بهداشت	آفریقا و خاورمیانه
۱۹۹۳-۲۰۰۱ (بیل کلینتون)	صلح‌طلبی	ترویج صلح در جهان	مصر و اسرائیل
۲۰۰۱-۲۰۰۹ (جرج دبلیو بوش)	مقابله با افراط‌گرایی و بنیادگرایی (متأثر از رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱)	مبارزه با تروریسم و گروه‌های ضد حقوق بشری	سازمان ملل و خاورمیانه، با تأکید بر افغانستان، اسرائیل، پاکستان (کمک مالی) و عربستان سعودی و نیروهای معارض در مناطقی مانند سوریه مثل گردهای شمال سوریه (کمک نظامی و مستشاری)
۲۰۰۹-۲۰۱۷ (باراک اوباما)	اثرگذاری کمک‌های خارجی	اهمیت استراتژیک و اقتصادی کمک‌های خارجی امریکا در کنار ضرورت اخلاقی	آژانس توسعه بین‌المللی، اسرائیل و کشورهای خاورمیانه (به‌ویژه افغانستان و مصر)
۲۰۲۰ - ۲۰۱۷ (دونالد ترامپ)	طرح ترامپ مبنی بر کاهش کمک‌های خارجی	اثرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیمات سازمان ملل	کاهش کمک خارجی به سازمان ملل و قطع کمک خارجی به تشکیلات خودگردان فلسطین

منبع: مؤلفان با استفاده از داده‌های منتشر شده از سوی دولت امریکا



در تحلیل کلی می‌توان گفت کمک‌های خارجی امریکا در طول دوره‌های مختلف اولویت‌های متنوعی داشته است؛ در دهه ۱۹۵۰ کشورهای اروپایی و جنوب شرقی آسیا دریافت‌کنندگان اصلی کمک‌های خارجی امریکا بودند و هدف امریکا در آن دوره جلوگیری از نفوذ کمونیسم در این کشورها بود. بری مثال تایوان در این سال‌ها اولویت و اهمیت بسیار زیادی در سیاست خارجی امریکا داشت و تلاش‌های گسترده‌ای جهت جلوگیری از نفوذ کمونیسم به این کشور صورت می‌گرفت. در دهه ۱۹۹۰ به‌خصوص در دوره کلینتون، کمک‌های امریکا به مصر و اسرائیل معطوف بود زیرا امریکا با شعار ترویج صلح در خاورمیانه به دنبال ایجاد شبکه‌ای از متحدان واشنگتن در خاورمیانه بود. از سال ۲۰۰۰ به بعد علاوه بر رژیم صهیونیستی، تمرکز کمک‌های خارجی ایالات متحده امریکا بر کشورهای همانند افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه معطوف بوده است و میزان و حجم کمک‌های خارجی این کشور از سال ۲۰۰۳ تا روی کار آمدن ترامپ افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت.<sup>۱</sup> نمودار شماره یک این روند را توضیح می‌دهد.

نمودار شماره ۱- روند تاریخی میزان کمک‌های خارجی امریکا از سال ۲۰۱۵-۱۹۴۶



Source: (Tarnoff & Lawson, 2016: 16)

1. <https://data.worldbank.org/>, 2018

نکته حائز اهمیت در خصوص سیاستگذاری خارجی امریکا آن است که میان کمک‌های خارجی این کشور و ایدئولوژی سیاسی این کشور رابطه مستقیمی وجود دارد. کمک‌های خارجی در راستای اهداف و ایدئولوژی سیاسی این کشور، یعنی تأمین‌کننده منافع ملی امریکا است. کمک‌های خارجی امریکا بیش از آنکه رویکردی هنجاری و آرمان‌گرایانه (مانند شعارهای حقوق بشری و ...) داشته باشد، راهبردی عمل‌گرایانه و منفعت‌محور محسوب می‌شود.

### اهداف راهبرد کمک‌های خارجی امریکا

ایالات متحده امریکا با ارائه کمک‌های خارجی خود به کشورها، بازیگران و سازمان‌های بین‌المللی در تلاش است تا شعارهای هنجاری و آرمان‌گرایانه ارائه دهد اما با مطالعه کلی برنامه‌های امریکا می‌توان اذعان کرد که این کشور اهداف بسیار مهمی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... در این خصوص دنبال می‌کند (Rothschild, 2007: 2-4). می‌توان اهداف اصلی امریکا از ارائه کمک‌های خارجی را به صورت مشخص شده در شکل شماره یک تشریح کرد:

شکل شماره ۱- اهداف ایالات متحده از راهبرد کمک‌های خارجی به کشورهای مختلف



منبع: مؤلفان

با بررسی سیاست خارجی امریکا، تنوع اهداف این کشور از راهبرد کمک‌های خارجی در قالب اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی - اجتماعی مشخص می‌شود.

### الف- اهداف سیاسی

\* پرهیز از سیاست انزوا و ایفای نقشی فعال و مداوم در معادلات جهانی یکی از راهبردهای کلان پیشین امریکا که تحت عنوان «دکترین مونروئه»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، انزواگرایی و به حداقل رساندن مداخلات امریکا در کشورهای مختلف است. این سیاست که بسیاری از فعالیت‌ها و تصمیم‌سازی‌های امریکا پیرامون مناطق مختلف جهان را محدود می‌کرد، در دوره‌هایی مورد توجه برخی نخبگان سیاسی امریکا مانند «جورج واشینگتن»<sup>۲</sup> و «جیمز مونروئه»<sup>۳</sup> بود (Braumoeller, 2010: 349-371). تغییر ماهیت قدرت امریکا در اواسط قرن بیستم موجب شد که بسیاری از مراکز تصمیم‌گیری و اتاق فکرهای امریکایی چنین سیاستی را مغایر با منافع ملی امریکا قلمداد کنند. رویکرد غالب در دهه‌های اخیر حضور فعالانه امریکا در مناطق مختلف برای تأمین منافع ملی این کشور بوده است. به همین دلیل یکی از تاکتیک‌های مهم امریکا برای پرهیز از سیاست انزوا و ایفای نقشی فعال در مناطق مختلف جهان، ارائه کمک‌های خارجی به شکل مالی و نظامی به کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی است.

### \* حفظ پرستیژ و هژمونی جهانی

کمک‌های خارجی همواره به عنوان یکی از نمودهای هژمونی جهانی امریکا و ابزاری برای کسب و حفظ پرستیژ این کشور مطرح بوده است. بر این اساس، حتی پس از فروپاشی شوروی نیز که تهدید کمونیسم متوجه کشورهای سرمایه‌داری نبود؛ رویکرد کمک‌های خارجی در سیاست خارجی امریکا پابرجا ماند. شایان ذکر است که امریکا که پس از فروپاشی شوروی مدعی هژمونی جهانی بود، کمک‌های خارجی و اثرگذاری بر اقتصاد و سیاست کشورهای مختلف را عمدتاً در پوشش کمک‌های بشردوستانه دنبال کرده است؛ پس از این برهه، این سیاست همواره بعنوان نماد هژمونی جهانی امریکا

---

1. Monroe Doctrine  
2. George Washington  
3. James Monroe

برجسته شده است. بدین ترتیب در چند دهه اخیر کمک‌های امریکا به کشورهای هم‌چون پاکستان، افغانستان، کنیا و... ضمن حفظ سطح مطلوبی از سلطه امریکا، پرستیژ ملی این کشور را میان رقبا حفظ کرده است.

#### \* تلاش برای جذب و وابستگی نخبگان سیاسی مؤثر در جوامع مختلف

یکی از سیاست‌های تاریخی نظام‌های استعماری، کنترل و وابسته نمودن نخبگان سیاسی در کشورهای کمتر توسعه یافته و جهان سوم بوده است. با توجه به اینکه در اکثر جوامع جهان سوم نوعی انسداد نخبگی وجود دارد و همچنان برخی شخصیت‌ها کنترل زیادی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارند، امریکا از طریق کمک‌های مالی به چنین نخبگانی، می‌کوشد تا عرصه سیاسی - اقتصادی کشورهای آنان را تحت تأثیر قرار دهد. نخبگان وابسته به غرب تأثیر زیادی در پیاده‌سازی راهبردهای جهانی ایالات متحده دارند و امریکا با ارائه کمک‌های خارجی به دنبال جذب و توسعه وابستگی این نخبگان است.<sup>۱</sup>

#### \* همراه‌سازی نهادهای بین‌المللی با اهداف امریکا

بخش مهمی از کمک‌های خارجی امریکا بویژه کمک‌های مالی این کشور، مربوط به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. این کمک‌ها اهداف متعددی را دنبال می‌کند. امریکا به دنبال تأثیرگذاری بر راهبردها و طرح‌های تدوینی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی است. بعنوان نمونه اسناد متعددی که توسط سازمان‌های بین‌المللی تدوین و اجرایی می‌شدند، همانند سند ریو، سند اهداف توسعه پایدار، اعلامیه ژوهانسبورگ، اهداف توسعه هزاره و... همگی در راستای اهداف و ارزش‌های نظام سرمایه‌داری تدوین شده‌اند. اغلب این اسناد با هدف اعمال نفوذ و تحمیل باورهای خود بر جوامع مختلف بویژه جهان سوم تنظیم شده‌اند (Dippe, 2015: 2-3). از سوی دیگر، بسیاری از موضوعاتی که در سازمان ملل همانند حقوق بشر مطرح می‌شود، تحت تأثیر خواسته‌ها یا تعاریفی است که توسط دولت‌هایی همانند امریکا بدان صورت می‌دهند.

---

1. <https://www.ned.org>, 2020

## ب- اهداف اقتصادی

### \* نهادینه کردن دلار در اقتصاد جهانی

یکی از مسائل مهمی که در اقتصاد امریکا اهمیت دارد و نسبت به آن در این کشور نوعی نگرانی و دغدغه وجود داشته، از دست رفتن اعتبار و اهمیت دلار در اقتصاد جهانی است. بدین ترتیب امریکا از هر رویکرد و تاکتیکی برای تداوم اثرگذاری دلار در اقتصاد جهانی استفاده می‌کند. یکی از اهداف امریکا از تداوم راهبرد ارائه کمک‌های خارجی به سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف، نهادینه کردن دلار و جلوگیری از بی‌اعتبار شدن این واحد پولی در نظام اقتصاد جهانی است (Bernanke, 2016).

### \* توسعه وابستگی اقتصادی به امریکا و قدرت هژمون

یکی از اهداف دیرینه قدرت مسلط در نظام بین‌الملل، ایجاد وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف به قدرت هژمون بوده است. امریکا در برهه کنونی چنین راهبردی را از طریق ارائه کمک‌های خارجی به کشورهای مختلف دنبال می‌کند و در تلاش است تا در زمینه اقتصادی و تکنولوژیک نوعی وابستگی اقتصادی عمیق و گسترده را توسعه دهد. یکی از راهبردهای مهم امریکا در این زمینه دادن وام‌های کلان با عنوان کمک‌های مالی است (Brown, 2013: 12-14). این وابستگی اقتصادی به مرور زمان منجر به ضعف و آسیب‌پذیری اقتصادی جوامع مختلف می‌شود. بعنوان نمونه کشورهای آفریقایی اذعان دارند که با گسترش وابستگی به کمک‌های خارجی، ظرفیت و اراده اقتصادی برای گام برداشتن به سمت توسعه و شکوفایی اقتصادی در آنها از بین رفته است.

### \* کسب منافع اقتصادی

یکی از اهداف ملموس ایالات متحده امریکا از ارائه کمک‌های مالی به کشورهای مختلف، کسب منافع اقتصادی است. در بسیاری از نمونه‌ها، کمک‌های مالی و فناورانه ایالات متحده امریکا به کشورهای مختلف بیش از آنکه در راستای تأمین منافع اقتصادی کشور هدف باشد، تأمین‌کننده منافع ملی امریکا است. سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی در کشورهای مذکور یکی از اهداف مهم ایالات متحده است که در فرآیند طولانی و بلندمدت مزایای اقتصادی بسیاری برای امریکا به دنبال دارد (Brown, 2013: 14).

### \* تلاش برای حاکم نمودن نظام سرمایه‌داری در اقتصاد جهانی

امریکا در طول ادوار مختلف به دنبال حاکم کردن نظام اقتصاد سرمایه‌داری در سطح جهان بوده است. در همین راستا، امریکا تلاش دارد تا ارزش‌های اقتصاد سرمایه‌داری را به سایر نقاط جهان انتقال دهد تا مانع از قدرت‌گیری الگوهای اقتصادی رقیب و ضد سرمایه‌داری شود. به‌عنوان نمونه یکی از دلایل کمک‌های مالی و فعالیت‌های اقتصادی ایالات متحده در آسیای جنوب شرقی جلوگیری از نفوذ الگوها و شاخصه‌های اقتصادی چین در برخی کشورها همانند تایوان یا سنگاپور است (Tarnoff & Lawson, 2016: 17-20). این مسئله طی یک دهه اخیر به اولویت اصلی راهبرد کلان سیاست خارجی امریکا تبدیل شده است.

### پ- اهداف نظامی

#### \* ایجاد شبکه متحدان نظامی و حامیان سیاسی

یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست خارجی ایالات متحده امریکا، تلاش برای ایجاد شبکه‌ای از متحدین و حامیان منافع امریکا در مناطق مختلف جهان است. از این‌رو امریکا در نقاط مختلف جهان می‌کوشد تا از طریق کمک‌های خارجی (مالی، نظامی، مستشاری و ...) شبکه‌ای از متحدین منافع ایجاد کند و در زمینه‌های مختلف از آنان حمایت کند. به‌عنوان نمونه، امریکا در خاورمیانه تلاش دارد تا روی بازیگرانی همانند عربستان سعودی و اسرائیل سرمایه‌گذاری کند تا بتواند با استفاده از این متحدین، منافع منطقه‌ای خود را دنبال کند. به همین دلیل در طول سال‌های گذشته، اسرائیل و عربستان سعودی کمک‌های مالی و نظامی گسترده‌ای از سوی امریکا دریافت کرده‌اند. برای مثال اسرائیل از بدو شکل‌گیری تا سال ۲۰۱۹، بیش از ۱۳۹ میلیارد دلار کمک دوجانبه نظامی و مالی دریافت کرده است و طبق روال، کمک در نظر گرفته شده از سال ۲۰۱۸ به بعد مبلغ ۳.۸ میلیارد دلار دیگر برای سال ۲۰۲۰ تقاضا کرده است (U.S. Foreign Aid to Israel: 2).

#### \* جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی علیه امریکا و متحدانش

سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در طول دوره‌های مختلف بر این هدف مبتنی بوده است که از شکل‌گیری ائتلاف‌های مختلف نظامی علیه این کشور جلوگیری کند. جهت

دستیابی به این مهم، امریکا با ارائه کمک‌های مالی به برخی نیروها و بازیگران، امکان پیوستن آن‌ها را به ائتلاف‌ها یا اتحادهای ضد امریکایی و ضد غربی به حداقل می‌رساند (Wishnick, 2009: 51). در این میان نقش پاکستان اهمیت دارد؛ زیرا امریکا تمایل چین به نزدیکی بیش‌ازپیش به پاکستان را زیر نظر دارد. دشمنی و رقابت چین و هند این مسئله را تشدید می‌کند.

### \* ایجاد و تقویت جریان‌ها و گروه‌های اپوزیسیون همسو با رویکردهای امریکایی

ایجاد و تقویت جریان‌ها یا گروه‌های غیردولتی و معارض که همسو با منافع و اهداف ایالات متحده امریکا عمل می‌کنند، یکی از سیاست‌های پایدار امریکا برای تضمین منافع ملی این کشور بوده است. امریکا با کمک‌های مالی و نظامی به بسیاری از جریان‌ها و گروه‌های اپوزیسیون به دنبال آن است تا از این گروه‌ها در راستای تأمین منافع خود و ضربه وارد کردن به رقبا استفاده کند. بعنوان نمونه می‌توان کشور سوریه را مثال زد؛ امریکا طی سال‌های گذشته کمک‌های مالی و نظامی گسترده‌ای به مخالفان و اپوزیسیون دولت سوریه کرده است. از یک سو، امریکا با حمایت مالی از گروه‌های مخالف بشار اسد و متحدانش به دنبال ضربه زدن به دولت سوریه بود و از سوی دیگر با ارائه کمک‌های نظامی به گروه‌های تجزیه طلب مانند گروه‌های شمال سوریه به دنبال تحت فشار قرار دادن سوریه و متحدانش بود (Clawson, 2016: 79).

### ت- اهداف فرهنگی - اجتماعی

#### \* ترویج باورها و ارزش‌های غربی - لیبرالیستی

اهداف امریکا از دنبال کردن راهبرد کمک‌های خارجی صرفاً مالی و اقتصادی نیست. یکی از اهداف اصلی این کشور از کمک‌های خارجی به کشورهای مختلف، تبلیغ الگوهای فرهنگی - اجتماعی مطلوب غربی است. امریکا در دوره‌های مختلف به دنبال ترویج و نهادینه کردن ارزش‌های سکولاریستی و لیبرالیستی در مناطق مختلف جهان بوده است. این مسئله برای سیاست خارجی ایالات متحده امریکا اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا می‌تواند بستر و زمینه‌ای برای تحمیل سایر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی این کشور

شود. این مهم در قالب طرح‌ها یا خط‌مشی‌های مهمی همانند طرح‌های مارشال، کندی و ریگان دنبال شده است (Lawson & Epstein, 2017: 17).

### \* اثرگذاری اجتماعی و نفوذ فرهنگی در کشورهای هدف

یکی دیگر از اهداف مهم آمریکا که تحت پوشش کمک‌های اقتصادی دنبال می‌شود، تلاش این کشور برای اثرگذاری اجتماعی و نفوذ فرهنگی در کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی است. نفوذ، ابعاد گسترده‌ای دارد که موفقیت در پیاده‌سازی آن می‌تواند امتیازات مهمی به همراه داشته باشد. بنیاد موقوفه ملی برای دموکراسی، یکی از اصلی‌ترین بازوهای آمریکا در این زمینه است که پروژه‌های بسیار وسیعی برای اثرگذاری و نفوذ فرهنگی - اجتماعی در کشورهای مخالف آمریکا بویژه ایران به اجرا گذاشته که اغلب تحت لوای دفاع از دموکراسی و حمایت از حقوق بشر صورت گرفته است.<sup>۱</sup> البته طرح ترامپ مبنی بر قطع یا کاهش کمک‌های خارجی با انتقادات بسیار زیادی از سوی برخی روسای جمهور سابق و مراکز تصمیم‌سازی و پژوهشی آمریکا مواجه شد. منتقدان مدعی هستند که در شرایط کنونی، راهبرد کمک‌های خارجی مهمترین ابزار نفوذ آمریکا در مناطق مختلف جهان است و تصمیم قطع کمک‌های خارجی آسیب فراوانی را متوجه منافع ملی آمریکا می‌کند (Harris, Gramer, & Tamkin, 2017)؛ کمک‌های خارجی ابزار اصلی نفوذ فرهنگی آمریکا در مناطق مختلف جهان و حفظ جایگاه هژمونیک این کشور بوده است و چنین تصمیمی تأثیری منفی بر جایگاه بین‌المللی آمریکا و رقابت با چین دارد.

به صورت کلی، اهداف ایالات متحده آمریکا از ارائه کمک‌های خارجی به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف را می‌توان به صورت خلاصه در جدول شماره ۲ بیان کرد:

---

1. <https://www.ned.org>, 2020



جدول شماره ۲- اهداف امریکا از راهبرد کمک‌های خارجی

اهداف	شاخصه‌ها
سیاسی	۱. پرهیز از سیاست انزوا و ایفای نقشی فعال و مداوم در معادلات جهانی
	۲. حفظ پرستیژ و هژمونی جهانی
	۳. تلاش برای جذب و وابستگی نخبگان سیاسی مؤثر در جوامع مختلف
	۴. اثرگذاری بر طرح‌های سازمان‌های بین‌المللی و همراه‌سازی نهادهای بین‌المللی با اهداف امریکا
اقتصادی	۱. نهادینه کردن دلار در اقتصاد جهانی
	۲. توسعه وابستگی اقتصادی به امریکا و قدرت هژمون
	۳. کسب منافع اقتصادی
	۴. تلاش برای حاکم نمودن نظام سرمایه‌داری در اقتصاد جهانی
نظامی	۱. تلاش برای ایجاد شبکه‌ای از متحدان نظامی و حامیان سیاست امریکایی در مناطق مختلف جهان
	۲. جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی علیه امریکا و متحدانش
	۳. ایجاد و تقویت جریان‌ها و گروه‌های اپوزیسیون همسو با رویکردهای امریکایی
فرهنگی و اجتماعی	۱. ترویج باورها و ارزش‌های غربی- لیبرالیستی
	۲. اثرگذاری اجتماعی و نفوذ فرهنگی در کشورهای هدف

منبع: مؤلفان

### پاکستان نمونه‌ای از اهداف متغیر کمک مالی امریکا

پاکستان نمونه‌ای از اهداف متغیر امریکا در سیاست‌گذاری نظامی در خاورمیانه است؛ نگاهی به تاریخ روابط پاکستان و امریکا و سابقه کمک‌های خارجی امریکا به این کشور، این نکته را یادآوری می‌کند. نوسانات کمک‌های نظامی بر اساس تحولات جهانی و اهمیت پاکستان در حفظ جایگاه هژمونیک امریکا رخ داده است. بر این اساس هرگاه پاکستان به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی در معادلات قدرت، مهره مفیدی به حساب آید؛ جریان کمک‌های نظامی امریکا به این کشور سرازیر می‌شود و هرگاه معادلات تغییر کند، کمک‌های نظامی یا اقتصادی کاهش بسیار شدیدی پیدا می‌کند. در ادامه ضمن بررسی میزان این کمک‌ها، اهداف امریکا از آن و چشم‌انداز کمک‌های خارجی امریکا به پاکستان مطالعه می‌شود.

### الف- میزان کمک‌های خارجی امریکا به پاکستان

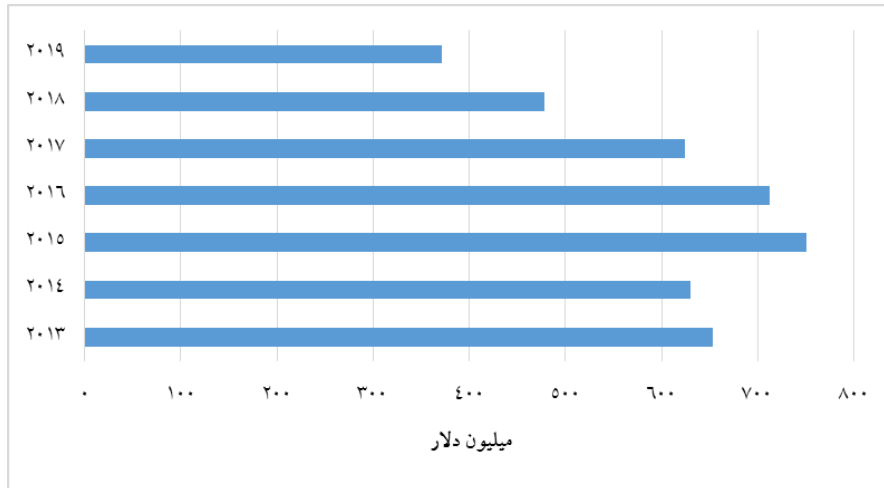
مهم‌ترین جنبه کمک‌های خارجی امریکا، کمک‌های نظامی و مستشاری است که بیشتر به بازیگران و نیروهای تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه معطوف بوده است. این کمک‌ها هم می‌تواند در قالب ارائه کمک‌های مالی برای تقویت بنیه نظامی متحدان باشد و هم ارائه مستقیم تسلیحات نظامی به متحدان و نیروهای همسو با منافع امریکا در منطقه. بعنوان نمونه در سال ۲۰۱۴، کل کمک‌های خارجی ایالات متحده امریکا بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار بود که حدود ۶ میلیارد دلار آن برای کمک‌های نظامی مستقیم صورت گرفت. بیشترین حجم کمک‌های نظامی امریکا در سال ۲۰۱۴ و سال‌های پس‌از آن به رژیم صهیونیستی، مصر، اردن و پاکستان اختصاص یافت (Robertson, 2016).

امریکا از بدو شکل‌گیری طرح مارشال، به پاکستان کمک خارجی اختصاص داده است؛ مجموع این کمک‌ها از سال ۱۹۵۱ تا سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۶۷ میلیارد دلار (با مقایسه دلار سال ۲۰۱۱) بوده است. همچنین پاکستان بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ نیز هرساله رقمی بیش از ۶۲۳ میلیون دلار از امریکا دریافت کرده است.<sup>۱</sup> با وجود این، تغییر دولت در امریکا در سال ۲۰۱۷، موجب تغییر محسوس در سیاستگذاری کمک خارجی امریکا نسبت به پاکستان شده است و در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ این کشور به ترتیب ۴۴۷ و ۳۷۰ میلیون دلار کمک خارجی از امریکا اخذ کرده است.<sup>۲</sup> نمودار شماره دو به خوبی روند کاهش این کمک‌ها را نشان می‌دهد.

1. [www.foreignassistance.gov](http://www.foreignassistance.gov), 2020

2. [www.foreignassistance.gov](http://www.foreignassistance.gov), 2020

نمودار شماره ۲- وضعیت کمک‌های خارجی امریکا به پاکستان از ۲۰۱۳ به بعد



Source: (www.foreignassistance.gov, 2020)

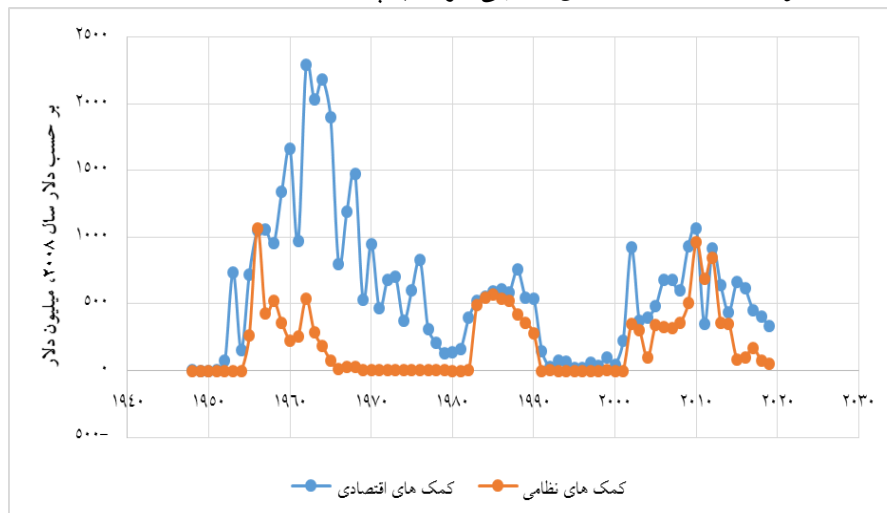
### ب- اهداف کمک‌های خارجی امریکا به پاکستان

اهداف کمک‌های امریکا در پاکستان طی دوره‌های مختلف، بیشتر جنبه نظامی و استراتژیک داشته است و راهبردهای کلان جهانی، معیار اصلی توجه امریکا به این کشور بوده است. در واقع پاکستان همواره از تغییرات راهبردهای سیاست خارجی امریکا در شبه‌قاره هند متأثر بوده است. تغییرات سینوسی در منافع ژئوپلیتیکی امریکا در منطقه شبه‌قاره هند، به‌خوبی در نمودار شماره سه نمایان است. در این نمودار، سه دوره اوج برای کمک‌های یادشده وجود دارد که با منافع و اقتضائات ژئوپلیتیکی سیاست خارجی امریکا همخوانی کامل دارد. در هر دوره با کاهش توجه امریکا، کاهش شدید کمک‌های خارجی به پاکستان رخ داده است؛ در دوره دولت ترامپ نیز که ترامپ مخالفتی جدی بر کمک‌های این کشور به پاکستان داشت، آمارها از کاهش اهمیت پاکستان در ساختار سیاست‌گذاری خارجی امریکا حکایت دارد.

در خصوص تنوع کمک‌های امریکا به پاکستان طی تاریخ کمک‌ها نیز باید تأکید کرد که بیشترین میزان این کمک‌ها با اهداف نظامی و مستشاری مرتبط بوده است. کمک‌های امریکا به پاکستان با کمک‌های نظامی در قالب طرح مارشال و مقابله بانفوذ و گسترش کمونیسم آغاز شد که بیشتر دارای جنبه اقتصادی اما اهداف استراتژیک را در

نظر داشت. به تدریج از سال ۱۹۵۵ اهداف نظامی نیز به کمک‌های امریکا افزوده شد که بخش اعظم آن از طریق آژانس توسعه ملی امریکا بود. از اواسط دهه ۱۹۶۰ کمک‌ها بیشتر ماهیت اقتصادی داشتند تا اینکه در اوایل دهه ۱۹۸۰ مسئله اشغال افغانستان رخ داد. از آنجایی که در این مقطع پاکستان به عنوان جبهه و محور اصلی مقابله با شوروی مطرح شده بود، افزایش کمک‌های نظامی و همزمان به صفر رسیدن میزان کمک‌های اقتصادی رخ داد. با فروکش کردن بحران افغانستان در اواخر دهه ۱۹۸۰ کمک‌های امریکا به کمک‌های اقتصادی صرف تنزل پیدا کرد (Ali, 2016: 39-42). ضمن اینکه میزان این کمک‌ها به کمترین حد خود طی تاریخ کمک‌ها رسید. با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، بار دیگر کمک‌های امریکا در قالب نظامی با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه شد. بنابراین در دوران ریاست جمهوری جرج بوش پسر و باراک اوباما، میزان کمک‌های نظامی به پاکستان مورد تأکید قرار گرفت. نکته مهم در این میان آنکه همواره ماهیت اقتصادی کمک‌ها، هرچند به شکل بسیار نازل حفظ شد. نوسان کمک‌های نظامی نیز نمایانگر توجه یا بی‌توجهی امریکا به پاکستان در طرح و نقشه استراتژیک جهانی خود است. خلاصه آنکه کمک‌های امریکا به پاکستان از اوایل دهه ۱۹۵۰ تاکنون نوسانات زیادی را به خود دیده است که متأثر از سیاستگذاری کلان نظامی این کشور بوده است.

نمودار شماره ۳- کمک‌های خارجی امریکا به پاکستان از سال ۱۹۵۱ تا ۲۰۱۹



Source: (www.foreignassistance.gov, 2020)

همان‌طور که در نمودار شماره سه مشخص است، دوره اولی که پاکستان کمک‌های خارجی قابل توجهی از امریکا دریافت کرده، مصادف با جنگ سرد بوده که پاکستان نیز در این منظومه دارای اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی بوده است. دوره دوم نیز همزمان با تهاجم اتحاد شوروی به افغانستان بوده است که کمک‌های مالی - نظامی امریکا برای مقابله با شوروی، حجم زیادی از کمک‌ها را به پاکستان سرازیر کرده بود. پس از رفع شدن این خطر تا حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توجه و کمک امریکا به پاکستان کم‌رنگ شده و کمک‌های آژانس توسعه ملی امریکا (یو اس اید)<sup>۱</sup> به این کشور قطع می‌شود. حادثه ۱۱ سپتامبر بار دیگر اهمیت پاکستان را در جهت ایفای نقش بازیگر مؤثر در منطقه شبه‌قاره برای منافع ملی امریکا برجسته می‌سازد. در همین راستا، یکی از تصمیمات مهم جرج بوش پسر در دوران ریاست جمهوری خود، پیشنهاد افزایش حجم کمک‌های خارجی ایالات متحده امریکا به‌ویژه کمک‌های نظامی به متحدان این کشور بوده است. بوش در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد افزایش بودجه برای کمک‌های خارجی تا میزان ۵۰ درصد را مطرح کرد. بر همین اساس از سال ۲۰۰۳ به بعد در مقایسه با دو دهه قبل از آن، افزایش کمک‌های خارجی امریکا چشمگیر بود. در این میان، سهم پاکستان نیز از این کمک‌ها قابل توجه بود. استراتژی مهم جرج بوش در خصوص کمک‌های خارجی به «دفاع و دیپلماسی»<sup>۲</sup> موسوم بود (Banjo, 2010: 140-149).

توجه به این نکته ضروری است که گرچه کمک‌های اولیه ایالات متحده امریکا به مناطق مختلف به‌ویژه کشورهای اروپایی در دوران جرج مارشال و جان اف. کندی با هدف مقابله بانفوذ سیاست‌های اقتصادی کمونیستی صورت می‌گرفت، از سال ۲۰۰۱ و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، امریکا با شعار مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی سعی بر ارائه کمک‌های مالی و نظامی به کشورهای و گروه‌های خاص در خاورمیانه داشت که در این میان پاکستان اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. در این دوران که جرج بوش پسر، رئیس جمهور امریکا بود تأکید زیادی بر مقابله با بنیادگرایی و گروه‌های افراطی همچون القاعده و طالبان داشت. بنابراین در این دوران کمک‌های ایالات متحده امریکا به‌ویژه در زمینه نظامی و تسلیحاتی به خاورمیانه افزایش یافت. از این زمان تا سال ۲۰۱۷، کمک‌های

---

1. USAID

2. Defense and Diplomacy

نظامی امریکا بیشتر شامل رژیم صهیونیستی، مصر و عربستان می‌شد. در رابطه با کمک‌های مالی نیز افغانستان، پاکستان و برخی کشورهای آفریقایی مورد نظر امریکا بود (Banjo, 2010: 146-148).

### پ- چشم‌انداز کمک‌های امریکا به پاکستان

دونالد ترامپ موضوع قطع کمک‌های خارجی به پاکستان را برای اولین بار در دوران مبارزات انتخاباتی خود مطرح کرده و از پایان کمک‌های مالی به کشورهایی که همسو با منافع و خواسته‌های ایالات متحده نیستند، صحبت به میان آورده بود. بدین ترتیب در حالی که کمک‌های خارجی ایالات متحده از سال ۲۰۰۳ به بعد روند صعودی داشت، باروی کار آمدن ترامپ روند کاهش کمک‌های خارجی امریکا کلید خورد (Ferrarello, 2017).

با وجود این، سابقه کمک‌های خارجی امریکا به پاکستان و نمودار آماری آن، نکات دقیقی را در خصوص چشم‌انداز آینده این مسئله نشان می‌دهد. اولین نکته در این خصوص، اهمیت حوادث و راهبردهای جهانی امریکا است که پاکستان را به مقصد اهداف کمک‌های خارجی‌اش تبدیل می‌کند یا این کشور را خارج از کانون سیاستگذاری نظامی آن قرار می‌دهد. در دوره دولت ترامپ نیز که ترامپ نقدی جدی بر کمک‌های این کشور به پاکستان وارد کرده بود، شاهد سیر نزولی مشهود این کمک‌ها بودیم که نشان از کاهش اهمیت پاکستان در ساختار سیاستگذاری خارجی امریکاست. بنابراین با توجه به عدم تغییر راهبرد کلان امریکا نسبت به منطقه شبه‌قاره هند و به صورت کلی قاره آسیا، در روند کاهش کمک‌های خارجی امریکا به پاکستان خللی ایجاد نشد. نکته دوم، سیاست فشار مستتر در طرح کمک‌های خارجی ترامپ برای همراه‌سازی پاکستان با اهداف استراتژیک امریکا است که جایگاه هژمونیک این کشور را تثبیت می‌کند. بر اساس طرح دونالد ترامپ، کمک خارجی به سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف مشروط بر این است که چنین کمک‌هایی به صورت ملموس به تأمین منافع ملی و تضمین امنیت ملی ایالات متحده امریکا منجر شوند. ترامپ مدعی است برآیند میلیاردها دلار کمک مالی امریکا به پاکستان چندان در راستای تقویت سیاست‌ها و اهداف ایالات متحده نبوده است و تداوم چنین رویکردی، ضربه‌ای سنگین به منافع امریکا وارد می‌کند. از این‌رو، سیاست فشار بر پاکستان برای تغییر رفتار در خصوص

مبارزه با تروریسم، حربه‌ای واقع‌گرایانه برای همراه‌سازی پاکستان تفسیر می‌شود. ترامپ بر این باور بود که اگر هزینه‌های فراوان پاکستان «هیچ» دستاوردی برای امریکا نداشته، بلکه هژمونی امریکا را (با حمایت از تروریسم) به چالش کشیده است، چرا باید این جریان کمک‌ها ادامه یابد (Greenwood, 2018). مقامات امریکایی نیز از عدم موفقیت پاکستان یا عدم تمایل این کشور برای تعقیب شبکه‌های تروریستی و نابود کردن پناهگاه‌های امن شبه‌نظامیان طالبان و شبکه وابسته به گروه حقانی نارضایتی دارند. امریکا به صورت رسمی اعلام کرد که قطع کمک‌های نظامی به پاکستان برای اعمال فشار بر این کشور برای مبارزه با تروریسم طراحی شده است. مسئله‌ای که اگرچه ممکن است کارساز نباشد، از شکل صریحی از تحلیل هزینه - فایده پیروی می‌کند. رویکرد دولت ترامپ بدین شکل است که پاکستان در مقابل تاکتیک فشار از سیاست حمایت نظامی که توسط تأسیسات نظامی و سازمان‌های اطلاعاتی پیگیری می‌شود، عقب‌نشینی خواهد کرد (Khan, 2018: 8-11).

نکته سوم نزدیکی بیش از پیش امریکا به هند، رقیب سنتی پاکستان و همکاری آنها در ارتباط با مبارزه با تروریسم درش به قاره هند است؛ مسئله‌ای که هم پاکستان را می‌ترساند و هم تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد. هند که پاکستان را دولت حامی تروریسم معرفی می‌کند، بخصوص از زمان روی کار آمدن ترامپ روابط نزدیکی را با امریکا ترتیب داده است. این اتحاد استراتژیک همراه با منافع استراتژیک همگرا در منطقه آسیا و اقیانوس آرام، هند و امریکا را به مشارکت استراتژیک سوق داده است (Hussain, 2019: 3-4)؛ این مسئله به نوعی در تقابل با ارتقای جایگاه چین و رقابت راهبردی این کشور با امریکا تحلیل می‌شود. بنابراین، بازنگری امریکا در روابط خود با پاکستان و کمک‌های نظامی به این کشور منطقی و آینده‌نگرانه است. اهداف پاکستان و امریکا اهداف استراتژیک واگرا دارند و اهداف امریکا با گذشت زمان تغییر کرده است؛ در حالی که اهداف امریکا به تقابل با چین معطوف است، پاکستان برای دستیابی به موازنه قدرت با هند تلاش می‌کند. بنابراین مبارزه با تروریسم به اهداف تاکتیکی مشترک پاکستان و امریکا تقلیل یافته است (Khokhar, 2020: 1-4).

نکته چهارم رویکرد مرکانتیلیستی دونالد ترامپ نسبت به اقتصاد جهانی و به تبع آن به کمک‌های خارجی است؛ در واقع رویکرد دونالد ترامپ نسبت به سیاست ارائه

کمک‌های خارجی آمریکا، تفاوت آشکاری با روسای جمهور سابق این کشور داشت. ترامپ معتقد بود که امنیت بعنوان کالایی باارزش برای کشورها، هزینه‌های گزافی را در بردارد که کشورها خود باید آن را بپردازند و اولویت اول آمریکا، خود امریکاست. بنابراین برخلاف آنچه دیگر روسای جمهور آمریکا می‌اندیشیدند، آمریکا مسئولیتی ابدی برای حفاظت از صلح و امنیت جهانی ندارد و باید صرف هزینه‌های نظامی با دقت و حساسیت بیشتری انجام شود.

### نتیجه‌گیری

کمک‌های خارجی یکی از راهبردهای مهمی است که ایالات متحده آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون در مناطق مختلف جهان و در رابطه با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی دنبال کرده است. کمک‌های خارجی آمریکا در دوره‌های مختلف و متناسب با شرایط جهانی، اولویت‌های متفاوت و متغیری داشته است. این راهبرد که در راستای افزایش نفوذ و نمایش قدرت آمریکا اتخاذ شده است، بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی تحلیل می‌شود. بر این اساس، چه زمانی که این کمک‌ها برای مقابله بانفوذ کمونیسم ارائه می‌شد و چه زمانی که تحت تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر علیه تروریسم بکار گرفته می‌شد و چه در دوره ترامپ که سمت‌وسوی این کمک‌ها تغییر کرد، هدف حفظ هژمونی و جایگاه برتر آمریکا در رقابت با قدرت‌های رقیب بوده است؛ زمانی رقیب اصلی آمریکا شوروی بود، زمانی هم چین بعنوان رقیب آمریکا مطرح شده است. در هر صورت، رویکرد دولت آمریکا رویکردی واقع‌گرایانه تحلیل می‌شود. بر همین اساس، آمریکا سیاست فشار خود را بر پاکستان اعمال می‌کند تا هژمونی این کشور به واسطه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در پاکستان و افغانستان دچار چالش نشود.

مسئله مهم دیگر، از آنجاکه کمک‌های خارجی آمریکا در راستای منافع ملی این کشور در مناطق مختلف و اثرگذاری بر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌پذیرد، مراکز تصمیم‌گیری آمریکا نسبت به این راهبرد و تداوم آن اجماع نظر دارند. این مسئله از دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی به این شکل تحلیل می‌شود که اگر آمریکا قدرت و نفوذ خود را در این موارد به حداکثر نرساند، دولت‌های رقیب چنین سهمی را از نفوذ از آن خود می‌کنند. بنابراین کمک‌های خارجی آمریکا باوجود شعارهای متنوعی همچون



مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق بشر، ترویج دموکراسی و... اهداف متعددی همانند ترویج ارزش‌های سکولاریستی - لیبرالیستی، منافع اقتصادی بلندمدت، وابستگی اقتصادی سایر کشورها به امریکا، حفظ و تقویت هژمونی، تبلیغ الگوهای اجتماعی، فرهنگی غربی و ... را دنبال می‌کند و بر اساس رویکردی واقع‌گرایانه در راستای تأمین امنیت و منافع ملی امریکا تدوین و پیاده‌سازی می‌شوند.

کمک‌های خارجی امریکا در طول دوره‌های مختلف مورد تأیید روسای جمهور امریکا بوده و برای مثال از سال ۲۰۰۳ تا روی کار آمدن ترامپ میزان این کمک‌ها در دو سطح نظامی و مالی افزایش قابل توجهی داشت. با وجود این، دونالد ترامپ با قطع و تعلیق کمک‌های خارجی امریکا به سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار و کشورهای مختلف از جمله پاکستان، مدعی بود که چنین راهبردی در این شرایط در راستای منافع ملی امریکا نیست و باید به صورت هدفمند صورت پذیرد. ترامپ با کاهش کمک‌های خارجی و زیر سؤال بردن سیاست‌های روسای جمهور پیشین ایالات متحده، به دنبال آن بود تا با چنین اهرم فشاری به‌ویژه در رابطه با نهادهای تأثیرگذار بین‌المللی، بتواند بر تصمیمات و موضع‌گیری‌های آن‌ها تأثیر بگذارد. می‌توان گفت تلاش برای افزایش اثرگذاری کمک‌های خارجی، پیشینه‌سازی منافع ملی امریکا و همراه‌سازی نهادهای بین‌المللی با سیاست‌های این کشور، اهداف مهمی بودند که ترامپ با تهدید کاهش کمک‌های خارجی به دنبال دستیابی به این اهداف مهم بود؛ در حقیقت ترامپ نیز بر اساس نگرشی رئالیستی و منفعت‌محور به دنبال آن بود تا از ابزار کمک‌های خارجی جهت افزایش نفوذ و کسب حداکثری منافع استفاده نماید. تهدید خاتمه کمک‌های خارجی امریکا توسط ترامپ به این معنا است که دولت ترامپ انتظارات رئالیستی زیادی از راهبرد کمک‌های خارجی داشت و با تهدید به قطع کمک‌های خارجی و تعلیق این کمک‌ها در مناطقی همچون پاکستان، به دنبال آن بود تا به سازمان‌های بین‌المللی و کشورهایی که همسو با خواسته‌های سیاسی و منطقه‌ای امریکا عمل نمی‌کنند، فشار وارد کند.

## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## References

- Ali, M. (2016), "U.S. Aid to Pakistan during the Tenures of Democrat and Republican Administrations", *Islamabad Policy Research Institute Journal*, 16 (2).
- Banjo, A, (2010), "U.S. Development Diplomacy in Africa: From Bill Clinton to George W. Bush", *African Journal of Political Science and International Relations*, 4 (4).
- Baynes, C. (2018, January 1), Donald Trump Attacks Pakistan Claiming 'They Have Given Us Nothing but Lies and Deceit' in Return for \$33bn Aid. Retrieved 16 April 2020.
- [www.independent.co.uk:https://www.independent.co.uk/news/world/americas/donald-trump-pakistan-tweet-lies-deceit-aid-us-president-terrorism-aid-a8136516.html](https://www.independent.co.uk/news/world/americas/donald-trump-pakistan-tweet-lies-deceit-aid-us-president-terrorism-aid-a8136516.html)
- Bernanke, B. (2016, January 7), The Dollar's International Role: An Exorbitant Privilege? Retrieved 23 March 2020, from [https:// www. brookings. edu/](https://www.brookings.edu/): [https:// www. brookings. edu/ blog/ ben- bernanke/ 2016/01/07/ the-dollars-international-role-an-exorbitant-privilege-2/](https://www.brookings.edu/blog/ben-bernanke/2016/01/07/the-dollars-international-role-an-exorbitant-privilege-2/)
- Booth, K, (2011), *Realism and World Politics*, London: Routledge.
- Braumoeller, B, (2010), "The Myth of American isolationism", *Foreign Policy Analysis*, 6 (4).
- Bristol, N, (2010), "US Foreign Aid Restructuring: Is It a very Big Deal?", *The Lancet*, 376 (9753).
- Brown, N, (2013), *The Effects of Foreign Aid in the Form of Grants and Loans on Foreign Direct Investment Inflow to Developing Countries in the Americas*, (Unpublished doctoral dissertation), California: California Polytechnic State University, Retrieved from: [https:// www. cob. calpoly. edu/economics/wp-content/uploads/sites/27/2019/11/Top-Senior-Project-Fall2013-Brown.pdf](https://www.cob.calpoly.edu/economics/wp-content/uploads/sites/27/2019/11/Top-Senior-Project-Fall2013-Brown.pdf).

- Clawson, P. (2016, November 18), Syrian Kurds as a U.S. Ally: Cooperation and Complications, Retrieved 21 March 2020 from. , <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/syrian-kurds-as-a-u.s.-ally-cooperation-and-complications>.
- Dippe, C, (2015), “Foreign Aid and Voting in International Organizations: Evidence from the IWC”, *Journal of Public Economics*, 132 (3).
- Ferrarello, M. (2017, July 27), What America First Means for US Foreign aid. Retrieved 29 March 2020 from: <https://www.brookings.edu/blog/brookings-now/2017/07/27/what-america-first-means-for-us-foreign-aid>.
- Greenwood, M. (2018, January 7), Trump steps up threats to foreign aid. Retrieved 15 November 2019 from <http://thehill.com/policy/national-security/367705-trump-steps-up-foreign-aid-cuts-as-foreign-policy-tool>.
- Hagen, J. &, (1988), “Development Policy under Eisenhower and Kennedy”, *The Journal of Developing Areas*, 23(1).
- Harris, B., Gramer, R., & Tamkin, E, (2017, April 24), The End of Foreign Aid as We Know It. Retrieved 7 March 2019 from, <https://foreignpolicy.com/https://foreignpolicy.com/2017/04/24/u-s-agency-for-international-development-foreign-aid-state-department-trump-slash-foreign-funding>.
- Hussain, K, (2019), “Prolonged US Afghan War and its Partnership with India: A Pakistani Perspective”, *Journal of Strategic Affairs*, 4 (1).
- Jacobs, J. (2018, January 3), Trump Threatens to Cut Off U.S. Aid to Palestinian Authority Retrieved December 23, 2019 from: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-01-02/trump-tweets-threat-to-cut-off-u-s-aid-to-palestinian-authority>,
- Khan, S, (2018), “Double Gam Why Pakistan Supports Militants and Resists U.S. Pressure to Stop”, *Cato Institute*, Washington D.C: Cato Institute.

- Khokhar, R. A, (2020), "Cooperation between the United States and Pakistan: What is the Future?", *Analysis from the East-West Center*, No. 143.
- Lancaster, C, (2008), "Bush's Foreign Aid", *Center for Global Development*, Washington D.C.
- Lawson, M. L., & Epstein, S. B, (2017), "Democracy Promotion: An Objective of U.S. Foreign Assistance", *Congressional Research Service*, Washington D.C.
- Miscamble, W, Harry S. Truman, (2008), *The Bomb and the Transformation of U.S. Foreign Policy*, (Unpublished Doctoral Dissertation), Florida: Department of History Florida Atlantic University.
- Morgenthau, H. j, (1985), *Politics among Nations*, New York: Alfred Knopf.
- National Endowment for Democracy: Iran 2019 (2020). Retrieved 2 August 2020 from National Endowment for Democracy: <https://www.ned.org/region/middle-east-and-northern-africa/iran-2019/>.
- Net Official Development Assistance and Official Aid Received (Current US\$). (2018, January 13), Retrieved 11 April 2020, 2020 from The World Bank: [https:// data. worldbank. org/ indicator/ DT. ODA.ALLD.CD](https://data.worldbank.org/indicator/DY.OA.ALLD.CD).
- O'Hare, J. (2017, June 13), "The History of US Foreign Aid and Why It's as Important as Ever Retrieved 27 February 2020", from: <https://www.globalcitizen.org/en/content/united-states-foreign-aid-history-trump/>.
- Robertson, L, (2016, April 20), "U.S. Foreign Military Support", Retrieved 11 March 2020 from Fact Check: [https:// www. factcheck. org/2016/04/u-s-foreign-military-support/](https://www.factcheck.org/2016/04/u-s-foreign-military-support/).
- Rothschild, D, (2007), "Book Review of Carol Lancaster's Foreign Aid: Diplomacy, Development, Domestic Politics", *Michigan Journal of Public Affairs*, 4 (1).

- Ruttan, V. W, (1990), “Lost Directions: U.S. Foreign Assistance Policy Since New Directions”, *The Journal of Developing Areas*, 24 (2).
- Schumann, B, (2016, May), “Donor Competition in Foreign Aid: The Results and Implications of States Receiving Aid from Rival Powers”, (Unpublished Undergraduate Dissertation), Ohio: The Ohio State University, Department of Political Science.
- Sharp, J, M. (2019), “U.S. Foreign Aid to Israel”, *Congressional Research Service*, Washington D.C.
- Stohl, M. and Carleton, D, (1984), “Human Rights and U.S. Foreign Policy from Nixon to Carter”, *Journal of Peace Research*, 21 (3).
- Taliaferro, J, (2001), “Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited”, *International Security*, 25 (3).
- Tarnoff, C. and Lawson, M. L, (2016), “Foreign Aid: An Introduction to U.S. Programs and Policy”, *Congressional Research Service*, Washington D.C.
- Williams, V, (2018), “Foreign Aid”, Retrieved 10 April 2020 from Britannica: <https://www.britannica.com/topic/foreign-aid>.
- Wishnick, E, (2009), *Russia, China, and the United States in Central Asia: Prospects for Great Power Competition and Cooperation in the Shadow of the Georgian Crisis*, Carlisle: Strategic Studies Institute.
- [www.foreignassistance.gov](http://www.foreignassistance.gov), (2020, July 31), “Foreign Assistance in Pakistan” Retrieved 9 April 2020 from: [https:// www. Foreignassistance, gov/explore/country/Pakistan](https://www.Foreignassistance.gov/explore/country/Pakistan).
- Zakaria, F, (1998), *From Wealth to Power: The Unusual Origins of America’s World Role*, Princeton: Princeton University Press.

**استناد به این مقاله:** صباغیان، علی، فتحی‌پور، مسعود، (۱۴۰۰)، «انگیزه‌ها و اهداف کمک‌های خارجی آمریکا؛ مطالعه موردی پاکستان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۸)، ۱۱۳-۱۳۹.

doi: 10.22054/qps.2020.51432.2504